

جشن نوروز

نیاکان ما به‌نکام فروردین که جهان تازگی از سر میگیرد و عالم پیر بجزوانی میگراید و گل از شاخ و سبزه از خاک میدمد، بافتخار تجدید بدایع عالم، جشنی میگرفتند و این روز کار نوروز مینامیدند.

جشن نوروز در میان بسیاری از جشنهای باشکوه که بهمت اجداد ما منعقد میشد تنها جشنی است که هنوز باشکوه و جلال تمام باقی مانده است و در تمام ایران از کاخهای شاهانه گرفته تا کوخهای فقیرانه برپا میشود و از اینرو به بحث در تاریخ و علل پیدائی و مراسم آن خالی از لطف و فایده‌تی نیست.

جشن نوروز یا «جشن فروردین» یا «بهار جشن» جشنی است که از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین شروع میشود و تا مدتی دوام مییابد.

در باب چگونگی ظهور این جشن نویسندگان قدیم و جدید تحقیقات بسیار کرده و مطالبی گفته اند که برخی از آنها با فسانه شبیه تراست. از میان این همه اقوال و حدسها میتوان قرائن ذیل را باورد داشت:

۱ - مهمترین و اصلی ترین علت ظهور این جشن موقع طبیعی آنست که مانند مهرگان در آغاز یکی از قسمتهای دو گانه سال یعنی هم (Hama) قرار داشت و این قسمت چنانکه در مقاله جشن سده مذکور افتاده عبارتست از تابستان بزرگ هفت ماهه ایرانیان قدیم که از آغاز فروردین ماه شروع میشده و تا پایان مهرادامه داشته است و قسمت دوم یعنی زمستان بزرگ از آغاز آبان تا پایان سال امتداد می یافته است. در آغاز تابستان بزرگ یعنی اول فروردین جشن نوروز و در اوایل زمستان بزرگ یا چند روز مانده با آغاز آن جشن مهرگان برپا میشده است.

۲ - علت مهم دیگر پیدا شدن این جشن احترامی است که ایرانیان از قدیم الایام برای نخستین روز از ماه و نخستین روز از سال قائل بودند.

اولین روز هر ماه در ایران قدیم بنام خداوند (اهورمزدا) موسوم و از این جهت بسیار مقدس بوده و جشنی دینی شمرده میشده است . اول سال نیز همین حرمت و اهمیت را داشت و این عقیده مذهبی یعنی احترام با اولین روز هر ماه و هر سال هنوز هم در ایران باقی مانده و در کتب ادبی دوره اسلامی هم آثار آن مشهود است .

۳- یکی از خاور شناسان معروف موسوم به گایگر، معتقد است که جشن نوروز نتیجه احترام و پرستش فروهر (فروشی فرورد) ها است . توضیح آنکه بعقیده زرتشتیان روان هر کس (فروهر) که پیش از ولادت او در عوالم ملکوت است پس از ولادت بجسم وی حلول مینماید و پس از مرگ باز بعالم اصلی بر میگردد و تنها در پنج روز آخر اسفند و ایام خمه مستقره بمسکن خود در این جهان عودت میکند . از اینرویی ایرانیان قدیم درده روز آخر سال جشنی داشتند بنام فروردگان که هنوز هم در میان زرتشتیان ، چنانکه یکی از معمرین آنان برای نویسنده نقل کرده ، متداول است . بعقیده گایگر جشن نوروز نتیجه و مولود جشن فروردگان است اما قبول این عقیده دشوار میباشد و اگر جشن مذهبی و اختصاصی فروردگان که در خانه ها به احترام بازگشت ارواح برپا میشده منتهی بجهن عمومی و ملی نوروز میگرددیده است ولی ارتباطی با آن ندارد .

رساله جامع علوم انسانی

۴- نویسنده گان قدیم علل نیمه داستانی و نیمه تاریخی چندی برای پیدایش شدن نوروز ذکر کرده اند خلاصه اقوال آنان مبتنی برانتساب نوروز بدوره کیومرث یا طهمورث یا جمشید است (۱) و چون ذکر همه آنها در اینجا دشوار میباشد تنها بنقل قول استاد ابوالقاسم فردوسی مبادرت میشود که در شرح سلطنت جمشید گفته است :

۱- در این باب رجوع شود به: معجم البلدان باقوت حموی چاپ لایبزیك من ۶۷۰-۶۶۹

از ج ۱ و نوروز نامه - مرخیام چاپ طهران من ۹-۲ و المعاسن والاضداد جاحظ چاپ مصر

من ۲۳۳ و الانارالباقیه ابوریحان بیرونی چاپ لایبزیك من ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و شرح بیست

باب و کامل التواریخ ابن اثیر شرح سلطنت جمشید



نقش برجسته‌ای از پله آپادانا که عده‌ای از نمایندگان ممالک تابعه
هخامنشی را در حال تقدیم هدایای نوروزی نشان میدهد



پرسپولیس - پله آپادانا (نقش برجسته) نماینده یکی از ممالک تابعه
هخامنشیان در حال تقدیم هدایای نوروزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست مطالب
فصل اول: کلیات (مقدمه و روش تحقیق) - دکتر آملی - ۱ تا ۱۰
فصل دوم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۱۱ تا ۲۰
فصل سوم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۲۱ تا ۳۰
فصل چهارم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۳۱ تا ۴۰
فصل پنجم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۴۱ تا ۵۰
فصل ششم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۵۱ تا ۶۰
فصل هفتم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۶۱ تا ۷۰
فصل هشتم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۷۱ تا ۸۰
فصل نهم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۸۱ تا ۹۰
فصل دهم: روش تحقیق - دکتر آملی - ۹۱ تا ۱۰۰

چو این پیشه‌ها از وی آمد پدید
بفر کیانی یکی تخت ساخت
که چون خواستی دیو برداشتی
چو خورشید تابان میان هوا
جهان انجمن شد بر تخت اوی
بجمشید بر گوهر افشاندند
سر سال نو هر مز فرودین^(۱)
بزرگان بشادی بیاراستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار

تو گفتی جز از خویشان رانیدید
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت^(۱)
ز هامون بگردون برافراشتی
نشسته برو شاه فرمانروا
شگفتی فرومانده از بخت اوی
مر آن روز را روز نوخراندند
بر آسود از رنج تن ، دل ز کین
می و جام و رامشگران خواستند
بمانده است از آن خسروان یادگار

تنها فایده‌ای که از ذکر این داستانها در باب نوروز می‌بریم آنست که این جشن یکی از مراسم کهن آریائی‌ان ایرانست که از روزگاران قدیم باقی مانده و تدریجاً پیرایه‌های بسیار یافته است.

در باب وجه تسمیه این جشن بنوروز هم اقوال بسیار موجود است که از ذکر آنها خودداری مینمائیم و تنها یکی از بهترین آنها یعنی قولی را که دانشمند بزرگ ایرانی در قرن چهارم و پنجم هجری موسوم به ابوریحان بیرونی ذکر کرده است نقل میکنیم: «نوروز نخستین روز است از فروردین ماه و باین جهت روز نو نام کرده‌اند زیرا پیشانی سال نواست.»^(۲) در این روزگار بنا بر عادت ملی، جشن نوروز از آغاز فروردین تا سیزدهم این ماه بطول می‌انجامید اما در دوره ساسانی بنا بر اطلاعاتی که در دست است جشن نوروز یک ماه ادامه داشت و ظاهراً این کیفیت بدربار پادشاهان اختصاص داشت و جشن نوروز در میان عامه ایرانیان از آنچه امروز است طولانی‌تر نبود. مورخان و نویسندگان قدیم نوروز را بدو قسمت کرده و گفته‌اند که قسمت اول نوروز عامه نام داشت که از روز اول فروردین تا پنجم آن بود و میان تمام مردم عمومیت داشت. اما از روز ششم فروردین ببعده که گویا این جشن بیشتر جنبه خصوصی و درباری می‌یافت آنرا نوروز خاصه مینامیده‌اند و نوروز خاصه را «نوروز بزرگ» و «جشن

۱ - نشاخستن یعنی نشاندن ۲ - یعنی روز هر مرد از ماه فروردین

۳ - التفهیم فی صناعة التنجیم

بزرگ، و « نوروز ملك » هم می‌گفته اند. روز ششم فروردین یعنی خرداد روز از فروردین ماه در نظر زردشتیان حرمت بسیار داشت چه می‌گفتند در این روز زردشت بدنیا آمده و در همین روز مبعوث برسالت شده و گشتاسب نیز آئین وی را در همین روز پذیرفته است و رستاخیز نیز در این روز واقع خواهد شد و خداوند در این روز از خلقت عالم فارغ شد و در همین روز کیخسرو بعالم بالاشتافت و در این روز سعادت بر اهل جهان قسمت میشود و بدین جهت خرداد روز از فروردینماه را « روز امید » مینامیدند و علت بزرگداشت و حرمت این روز و شروع « نوروز خاصه » از آن شاید بهمین سبب بوده باشد. (۱) پادشاهان قدیم را بنا بر بعضی روایات رسم چنان بود که در پنج روز اول فروردین حقوق اطرافیان و خدمتگزاران خود را می‌گزاردند و حاجات آنان را روا می‌کردند چون نو روز بزرگ فرامیرسید زنداقیان را آزاد مینمودند و از آن پس بعیش و شادی میپرداختند (۲).

فروردین ماه در ایام پیش از اسلام بخش قسمت منقسم میگردیده است که پنج روز نخستین را پادشاه با شراف و ثنائوی را برای بخشش هدایا و تحف و رسوم را بخدم خویش و چهارم را بخواص و پنجم را به لشکریان و ششم را بر عایا اختصاص میداد و بنا بر روایت ابوریحان نخستین کسی که نوروز عامه و خاصه را بهم پیوست و تمام ایام این دو نوروز را جشن گرفت هرگز پسر شاهپور است. (۳)

جشن نوروز از قدیمترین ایام تاریخ ایران تا کنون همواره شکوه و جلالی خاص داشت.

پیش از اسلام آئین زردشتی بدان صورت دینی داده بود و در دوره اسلامی ۲ حدیث و روایاتی که در باب اهمیت و حرمت آن بوجود آمد مایه بقاء آن گردید. بنا بر عقیده شیعه روز جلوس امیرالمومنین علی علیه السلام بر کرسی خلافت و همچنین روز انتخاب او بجاننشینی از طرف حضرت رسول مصادف بانوروز بود و از اینجاست که هاتق اصفهانی شاعر مشهور اوایل دوره زندیه گفته است:

۲ - رجوع شود به الانار الباقیه ص ۲۱۷ - التفهیم فی صناعة التنجیم - برهان قاطع - شرح بیست باب

۲ - التفهیم و شرح بیست باب .

۳ - المعاصن والاضداد جامع ص ۲۳۴ و الانار الباقیه ص ۲۱۸



نقش برجسته از پلکان آپادانا در پرسپولیس

پیشگام

روزگار هر روز در حال تغییر است و هر روز با چالش‌های جدیدی روبرو می‌شویم. در این مسیر، داشتن یک دیدگاه نو و روش‌های نوین برای حل مشکلات، ما را از گمراهی نجات می‌دهد. این کتاب، مجموعه‌ای از مقالات و تجربیات ارزشمند است که به شما کمک می‌کند تا در دنیای پویای امروز، قدم‌های بزرگ‌تری بردارید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

این پرتال جامع، بستری مناسب برای تبادل نظر و گفت‌وگو بین محققان و دانشجویان است. ما به اشتراک‌گذاری یافته‌های علمی و پژوهشی خود می‌پردازیم تا به پیشرفت علم و توسعه جامعه کمک کنیم. امیدواریم این پرتال، نقطه تلاقی ایده‌ها و دانش‌ها باشد.

- ۱- آشنایی با پرتال جامع علوم انسانی
- ۲- روش‌های نوین پژوهش‌های کیفی
- ۳- کاربرد فناوری‌های دیجیتال در علوم انسانی

تسیم صبح عنبر بیز شد بر توده غیرا
 زمین سبز نسرين خیز شد چون گنبد خضرا

همایون روز نوروز است امروزو بفیروزی

بر اورنگ خلافت کرد شاه لافتی مأوی
 وقآنی شاعر معروف عصر قاجاریه در یکی از قصائد نوروزی خویش
 آورده است :

رساند باد صبا مژده بهار امروز ز توبه توبه نمودم هزار بار امروز

رسد بگوش دل این مژده ام ز هانتف غیب که گشت شیر خداوند شهریار امروز

نمود از پس عمری که بود بیهده گرد یکی مسیر بحق چرخ بی قرار امروز

نشست صاحب مسند فراز مسند حق شکفت فخر و بپژ مرد عیب و عار امروز

بگرد نقطه ایمان کشید بار دگر مهندس ازلی آهنین حصار امروز

و بدین ترتیب دیده میشود که این جشن همواره باشکوه ملی خود جلال

و شکوه مذهبی را نیز همراه داشته است .

قدیم ترین اطلاع ماراجع بمراسم نوروز از عهددهخامنشیان فراتر نمیروند
 چنانکه از آثار مکشوفه بابل برمی آید داریوش بزرگ پادشاه هخامنشی (۵۲۱ -
 ۴۸۶ ق م) در نوروز هر سال بمعبد ببل مردوک رب النوع بزرگ بابل میرفت
 و دست آنها میگرفت . در این عهد پادشاهان در نوروز بارعام میدادند و مراسم
 نوروز در قصر خاص بارعام (آبادانا) باحضور قراولان خاصه و امرا و رجال با
 شکوه و جلال تمام صورت میگرفت و در همین روز معمولاً از ولایات و ایالات
 مختلف مملکت هدایائی بوسیله نمایندگان بخدمت فرستاده میشد و صاحب
 بار نمایندگان ملل تابعه را بنوبت بخدمت شاهنشاه میبرد .

هدایائی که بخدمت آورده میشد معمولاً از خصائص و طرائف هر سرزمین
 و هر قوم بوده است مانند اسب و گوسفند و شتر و گاو و شیر و بز کوهی و زرافه
 (تحفه مردم حبشه و پونت یعنی سواحل سومانی و عدن) و نمونه هائی از لباس
 خاص هر قوم و ظروف زرین و امثال آن .

بهترین اطلاعات مادر باب مراسم نوروز از عهد ساسانیان است و بتحقیق نمیتوان گفت که در هیچ زمان مراسم نوروز را باین همه تشریفات بجا نمی آوردند.

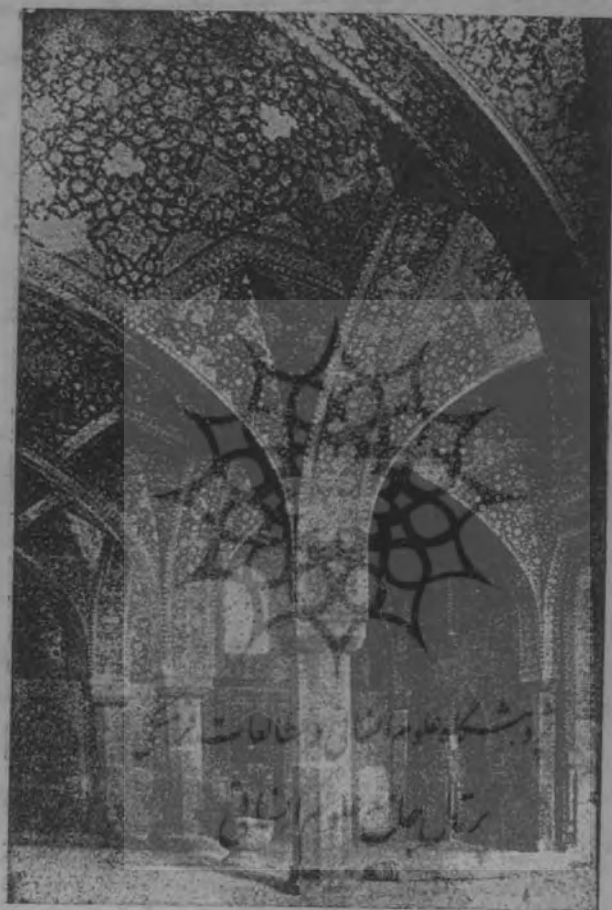
پس از آنکه در بامداد نوروز پادشاه جامه‌ای که معمولاً از بردیمانی ووشی^۱ بود بر تن میکرد بتنهایی در دربار حاضر میشد و شخصی که قدم او را بفال نیلک میکرد فتنه بخدمت شاه میرفت و یابنابر معمول نخستین بار مؤبدان مؤبد با جامی زرین پرازمی و انگشتری و درم و دینار و دسته‌ای سبزه و شمشیر و تیر و کمان و دوات و قلم و اسب و باز پیش شاه می‌آمد و او را بدین عبارات می‌ستود:

«شها بچشن فروردین بماه فروردین آزادی گزین بردادودین کیان . سروش آورد ترا دانائی و بینائی بر کاردانی ، و دیرزی با خوی هژیر ، و شادباش بر تخت زرین ، و انوشه^(۱) خور بجام جمشید ، و رسم نیاکان در همت بلند و نیکو کاری و ورزش داد و راستی نگاهدار . سرت سبز باد و جوانی چو خویده^(۲) . اسهت کامکار و پیروز و تیغ روشن و کاری بدشمن ، و بازت کیرا و خجسته بشکار ، و کارت راست چرن تیر ، و هم کشور بکیر نو ، بر تخت بادرم و دینار ، پیشت هنری و دانا گرامی و درم خوار ، و سرایت آباد و زندگانی بسیار^(۳) . سپس جام شراب را بپادشاه میداد و دسته‌ای از سبزه در دست دیگر او می‌گذاشت و دینار و درم در پیش تخت وی مینهاد . مقصود از آوردن این چیزها که گفته شد آن بود که شاه و بزرگان رادیده بر آنها افتد و در همه سال شادمان و خرم باشند و آن سال بر ایشان مبارک گردد^(۴) .

پس از این مقدمات بزرگان دولت بخدمت می‌آمدند و هدایای خود را تقدیم مینمودند . هدایای نوروز از طرف سلاطین جزء و شهرداران و اسپهبدان و امرای مملکت و زنان پادشاه و عامه مردم بشاهنشاه تقدیم میشد و سلاطین نیز پس از آنکه بوسیله مأمورین مخصوص آن اموال را تقویم میکردند ، آنها را که قدر و قیمتی داشت بخزانه می‌فرستادند و مابقی را متفرق می‌ساختند . شاه نیز بهدیه دهندگان بنسبت درجات آنان چیزی هدیه میکرد .

۱- انوشه ، جاوید

۲- خویده ، سبزه



اصفهان - مسجد شاه

مجله علمی و پژوهشی فصلنامه علمی و پژوهشی

فصلنامه علمی و پژوهشی فصلنامه علمی و پژوهشی



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی و پژوهشی فصلنامه علمی و پژوهشی

فصلنامه علمی و پژوهشی فصلنامه علمی و پژوهشی

فصلنامه علمی و پژوهشی فصلنامه علمی و پژوهشی

در دوره ساسانیان اخذ مالیاتهای مملکتی از نوروز افتتاح میشد^(۱) و این رسم در عهد اسلامی نیز مدتها، حتی در دستگاه خلفامعمول بود. در هریک از ایام نوروز پادشاه بازی سپید پرواز میداد و از چیزهایی که پادشاهان در نوروز بخوردن آن تبرک میجستند اندکی از شیر تازه و خالص و پنیر تازه بود و در هر نوروزی برای پادشاه با کوزه‌ای آهنین یاسمین آبی برداشته میشد. برگردن این کوزه قلاده‌ای از یاقوت‌های سبز بود که از زنجیری زرین گذشته و بر آن مهره‌های زبرجدین کشیده باشند. این آب را میبایست دختران بکر از زیر آسیابها بردارند^(۲) جاحظ در دنبال این کلام نوشته است که چون نوروز یشنبه میافتاد شاه امر میکرد که از رئیس یهودیان چهار هزار درهم بستانند و کسی سبب این کار را نمیدانست جز اینکه این رسم بین ملوک جاری شده و مانند چیزیه گردیده بود. از ذکر روز شنبه در اینجا نباید تصور کرد که ترتیب هفتگی که خاص تقویم سامیان است در آن ایام مراعات میشد بلکه روز شنبه باعتبار تقویم یهودیان در اینجا مذکور افتاده است.

بیست و پنج روز قبل از نوروز در صحن دارا لملک دوازده ستون از خشت خام برپا میشد که برستونی گندم و برستونی جو و برستونی برنج و برستونی عدس و برستونی باقلی و برستونی کاجیله و برستونی ارزن و برستونی ذرت و برستونی لوییا و برستونی نخود و برستونی کنجد و برستونی ماش میکاشتند و اینها را نمیچیدند مگر بقفا و ترنم و لہو. در ششمین روز نوروز این حبوب را می‌کنندید و در مجلس می‌پراکنند و تا روز مهر از ماه فروردین (۱۶ فروردین) آنها جمع نمی‌گردند. این حبوب را برای تقاول میکاشتند و گمان میکردند که هریک از آنها که بیکوتر و بارورتر شد محصولش در آن سال فراوانتر خواهد بود و شاه مخصوصاً بنظر کردن جو تبرک میجست^(۳)

معمولاً در این ایام شاهنشاه بیمار عام می‌نشست و ترتیب پذیرفتن طبقات را چند گونه ضبط کرده‌اند. از آنجمله ابوریحان گوید که آئین شاهان

۱ - التاج فی اخلاق الملوك ص ۱۴۶ چاپ مصر

۲ - المحاسن والاضداد چاپ مصر ص ۲۳۴

۳ - المحاسن والاضداد جاحظ، ص ۲۳۴

ساسانی در پنج روز اول فروردین (نوروز عامه) چنین بود که شاه بروز اول نوروز ابتدا می کرد و عامه را از جلوس خود برای ایشان و احسان بدانان، می آگاهانید. در روز دوم برای کسانی که از عامه رفیع تر بودند یعنی دهگانان (۱) و اهل آتشکده ها جلوس می کرد. در روز سوم از برای اسواران و مؤبدان بزرگ و در روز چهارم از برای اهل بیت و نزدیکان و خاصگیان خود در روز پنجم برای پسر و نزدیکان خویش و بهر يك از آنان آنچه مستحق رتبت و اکرام و یا مستوجب مبرت و انعام بودند میرسید و تمام داده میشود چون روز ششم فرا میرسید از قضاء حقوق مردم فارغ میگشت و از این پس نوروز از آن خود او بود (نوروز خاصه) و دیگر کسی جز ندما و اهلائس او و مناسبین و مصالحین خلوت وی بنزد او نمیتوانستند آمد. (۲)

در ایام نوروز معمولاً آهنگهای خاصی در خدمت شاهنشاه فواخته میشود و از آن جمله است «نوروز بزرگ» و «نوروز کیتباده» و «نوروز خردک» و «ساز نوروز» و «باد نوروز»؛ و «جا حظ» (۳) در جزیره آهنگهای نوروزی «آوازهای بهاری» و «آفرین» و «راههای خسروانی» و «ماخرستانی» (مازندرانی) را نیز نام برده است. از رسوم دیگر در باری این عهد آن بود که پادشاهان در نوروز محتاج الیه سالانه دفتری و چیزهای دیگر در بازار تهیه میکردند از قبیل کاغذ و پوست هائی که برای رسائل بکار می آمد، و آنچه مهر گردنش از طرف پادشاه لازم بود آخر آن مهر میشد و چنین کاغذی را «اسپید نوشت» و «اسپیدا نوشت» می نامیدند (۴).

از رسوم عمومی نوروز در عهد ساسانی یکی برافروختن آتش بود در شب نوروز دیگر ریختن آب در صبح نوروز به یکدیگر که اکنون میان ما بصورت پاشیدن گلاب بر یکدیگر باقی مانده است. دیگر کاشتن سبزی، هدیه دادن شکر و شیرینیها به یکدیگر که همه آنها در دوره اسلامی حفظ شده کاشتن سبزی بدین طریق بود که معمولاً در صحن هر خانه بر هفت ستون هفت قسم از

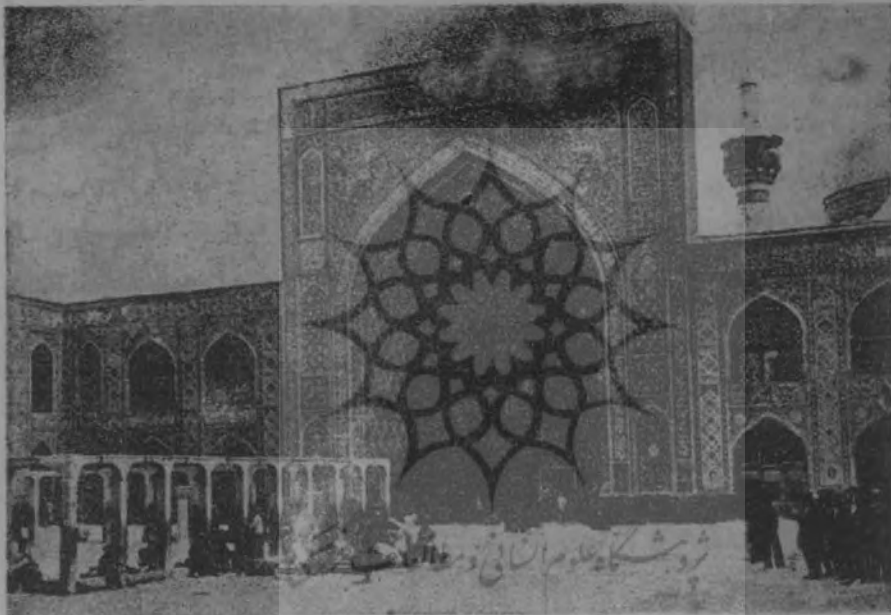
۱ - دهگانان، طبقه ای از طبقات دوره ساسانی و پیش از مغولان که مالک زمینهای بوده و در آنها زندگی میکردند. وصول مالیات ارضی بر آنها بر ایشان بود

۲ - الآثار الباقیه ص ۲۱۹

۳ - الآثار الباقیه ص ۲۱۸

۴ - المعاسن والاضداد ص ۲۳۶

Handwritten text at the top of the page, likely bleed-through from the reverse side. It includes a title and introductory text in Persian script.



رسال جامع علوم انسانی

مشهد - مسجد گوهر شاد (تاریخ بنا ۸۲۱ هجری مطابق ۱۴۱۸ میلادی)

Additional handwritten text at the bottom of the page, providing further details or context related to the mosque or the journal.

مجلسی در تاریخ روز اول شهریور سال ۱۳۳۱ بمجلس عالی رسید که در آن روز اول
از طرف اعضاء گروه فلسفه و منطق، علوم ریاضی و فیزیک و اجسام متحرک
در آن مجلس در روز چهارم شهریور ۱۳۳۱ که از طرف انجمن تشریح و فیزیولوژی
متخصصان آن روز در آن مجلس در حضور محترمین شرکت نمودند - در این روز برای اساتید آن
و محصلان آن روز در آن مجلس در آن روز در آن مجلس اهل آن روز در آن مجلس و حاضرین
در آن مجلس در آن روز در آن مجلس در آن مجلس در آن مجلس در آن مجلس
و این روز در آن مجلس در آن مجلس در آن مجلس در آن مجلس در آن مجلس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در مقاله شماره ۸۱۳۱ از فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه و منطق، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۱، صفحه ۱۳۸ تا ۱۴۵
موضوع مقاله: فلسفه و منطق در سده هجری
نویسنده: دکتر سید محمد تقی میرزا
چاپخانه: انتشارات فلسفه و منطق، تهران
پخش از: مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۱

غلات میکاشتند و هر يك از اقسام غلات كه بهتر ميرست دليل قوت آن نوع از غلات در سال جديد بود (۱)

در دوره اسلامی نوروز مانند بسیاری دیگر از اعیاد پیش از اسلام (مهرگان - سده - بهمنجته) نه تنها در میان ایرانیان محفوظ ماند بلکه در دربار های خلفای اسلامی نیز راه جست، در دربار خلفای عباسی اغلب رسوم نوروز مانند روز گاران پیش از اسلام معمول بود و از آن جمله است تقدیم هدایا و افتتاح سال مالی. از جمله مراسم عمومی نوروز در این عصر که حتی در بغداد پایتخت خلیفه اسلام هم میان مردم اجرا میشد بر آفرودختن آتش و ریختن آب بوده است که در آنها گاه کار بافراط میکشید.

پادشاهان ایرانی و دربارهای سلطنتی ایران نیز تشریفات رسمی جشن نوروز را مدت های مدید حفظ کردند. در این روز امرا و اعیان و درباریان و حکام و شاهان دست نشانده از تمام بلاد هدایای فراوان میفرستادند و چون شاه بارعام میداد این هدایا را نمایندگان اشخاص مذکور بخدمت میآوردند. تقدیم این هدایا از فرایض بود و در حقیقت مالیاتی جداگانه شمرده میشد اما در این دوره بخلاف آنچه در عهد ساسانی دیده ایم پادشاهان بجز یکی دو روز بجزن نوروز نمی نشستند و شاید بقیه ایام را باندیمان بشراب و سماع مشغول می شدند. در جشنهای نوروز شعرا قصائدی در تهنیت امرا و وزراء و ندمای پادشاه میسرودند و روزهای نوروز باشعر و موسیقی و غنای سماع و شراب پایان میرسید و لی بر روی هم باید دانست که اهمیت نوروز در دربارهای اسلامی کمتر از اهمیت و شکوه و جلال آن در دربارهای پیش از اسلام بود و همچنین است اهمیت عمومی و اجتماعی آن (۲) با تمام این احوال باید اعتراف کرد که جشن نوروز از میان همه اعیاد بزرگ ایران قدیم تنها جشنی است که با اغلب مراسم خود در میان ملت ایران بر جای مانده است و امید میرود که علاقه ایرانیان بآداب و رسوم گذشتگان همواره این رسم بزرگ ملی را زنده نگاهدارد.

۱ - الانارالباقیه ص ۲۱۷

۲ - راجع برسوم نوروز در دوره اسلامی از کتب ذیل استفاده شده است .

المعاصرین والاشعراء جاحظ - تاریخ تمدن اسلامی جرمی زیدان ج ۲ و ج ۴ - بلوغ الآرب ج ۱ چاپ بغداد - الانارالباقیه ابوریحان بیرونی - تاریخ الرسل والملوک طبری جزء ۸م - التاج فی اخلاق البلوک جاحظ - تاریخ بیهقی - ترجمه سفرنامه تاوورنی - و چون مبنای کار در این مقاله بر اختصار بوده از ذکر اجراء مطالب خودداری شده است .